

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ارنست ولف  
برگردان آزاد از: الف. میم  
۱۴ جولای ۲۰۱۸

## پناهندگان و ارتباط آنان با بحران سیستم مالی بین المللی یا آنچه رسانه ها از ما پنهان می کنند.



در هفته های گذشته شاهد سیطره بی مثال موضوع مهاجرت و پناهندگی به کشورهای غربی بر رسانه های کشورهای اروپایی هستیم.

در تمام کشورهای غربی اعم از امریکا یا المان و یا دیگر کشورهای اروپایی همه جا سخن از حفاظت از مرزها و جلوگیری از ورود مهاجران و پناجویان است.

سؤال اینجاست که چرا این موضوع در شرایطی که هجوم پناجویان به شکل ملموسی فروکش کرده و اروپا دوران هجوم میلیونی پناجویان را پشت سر نهاده دوباره با شدت بیشتری از گذشته طرح می گردد؟

چرا کشورهای غربی در شرایط فعلی که مهاجرت کاهش یافته است دست به کار تصویب قوانین و سیاستهای شدید علیه مهاجرت و پناهندگی شده اند؟

پاسخ چیزی نیست به جز این که هجوم بزرگی در راه است و رسانه و سیاستمداران مانند همیشه دست در دست هم سعی در پنهان سازی دلایل واقعی این واقعیت هستند.

نگاهی به زمینه های این مهاجرت بیندازیم: در بین سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ میلادی سیستم مالی بین المللی سرمایه داری دچار بحران عمیق و فزاینده شد که آن را در برابر فروپاشی جدی قرار داد و به همین دلیل بسیاری از دولتهای کشورهای غربی و متحدانشان تصمیم به نجات این سیستم بحرانزده گرفتند. از آنجائی که هزینه نجات سیستمهای مالی بحرانزده بسیار بیشتر از آن مبالغی بود که دولتها در امکاناتشان می گنجید بانکهای مرکزی این کشورها برای نجات وارد میدان شدند.

این بانکها دست به کار آفرینش مبالغ نجومی پول بی پشتوانه زدند و آنها را به عنوان وام کم بهره در اختیار سیستم های بحران زده قرار دادند و موازی با اینکار آستین بالا زده و در حجمی بسیار بزرگ به خرید اوراق قرضه دولتی کشورهایی که دچار بحران مالی شدید بودند پرداختند و هر جا که لازم تشخیص می دادند به خرید اوراق قرضه شرکتها و کنسرن های بحران زده پرداختند تا از این طریق در بازار طوفانی مالی جهان ثبات ایجاد کنند.

اما مجموعه عملیات فوق برای نجات سیستم بحرانزده سرمایه اثرات منفی و وحشتناکی را از خود در جهان باقی نهاد سیستم فرصت طلب و دزد مالی به آنچه که به پول ارزان معروف گردید معتاد شد و مانند یک بیمار به مواد مخدر به پول ارزان اعتیاد پیدا کرد و همانند معتادان به مرور حداقل مقدار مواد مخدر خود را بالا برد. سودجویان و مؤسسات مالی نیز به استفاده هر چه بیشتر از این پول مفت عادت کرده و حداقل نیازشان را از این پول باد آورده هر چه بیشتر افزایش دادند.

همانگونه که نمی توان معتادی را با افزایش مقدار ماده مخدرش نجات داد مؤسسات مالی و بانکها نیز نمی توانستند دایماً از تزریق پول ارزان به رگهایشان برای ادامه حیاتشان استفاده کنند بالاخره زمانی می رسید که بانکهای مرکزی کشورهای غربی جلوی تزریق پول ارزان را بگیرند تا مانع تورم عظیم شوند و این اتفاق هم افتاد.

حتی نخبگان مالی هم به این وضعیت معترف اند که سیستم در ده سال گذشته سود غیر قابل تصویری از این وضعیت حاصلش گردید سودی که نظیرش را در تاریخ سیستم مالی سرمایه داری کمتر می توان یافت اما آنها نیز می دانستند که با ادامه این روش نمی توان مانع فروپاشی سیستم سرمایه داری شد و تصمیم گرفتند قبل از آن که مشکل بزرگتر شود دست به کار شده و آن را از سقوط حتمی نجات دهند به همین علت تصمیمات جدیدی باید اتخاذ می شد.

بانکهای مرکزی تصمیم گرفتند به مرور و با سرعت کم بر اساس یک جدول زمانی از سیاست پخش پول ارزان و وام های بی دردسر فاصله بگیرند: بانک مرکزی امریکا تصمیم گرفت که قدم به قدم نرخ بهره را افزایش دهد و از تقریباً صفر تا تقریباً ۲ درصد بالا ببرد و تراکنش پول ارزان را متوقف کند. بانک مرکزی اروپا نیز سیاست خرید اوراق قرضه را از ماهانه ۸۰ میلیارد یورو ابتداء به ماهانه ۶۰ میلیارد یورو و سپس به ۳۰ میلیارد یورو کاهش داد و سر آخر هم اعلام کرد سیاست خرید اوراق قرضه را تا ماه جنوری سال ۲۰۱۹ میلادی به طور کامل تعطیل خواهد کرد.

البته این اقدامات جدید به دنبال اجرائی شدن آن مشکلات جدیدی را به وجود آورد، به دلیل سیاست پولی ارزان کوهی عظیم از بدهی در جهان ایجاد شده است که تمامی درآمدها را بابت پرداخت بهره این بدهی ها می بلعد و ادامه اش تنها در سایه پول ارزان و کم بهره ممکن بود. با بالا بردن نرخ بهره، بدهکاران و وام داران هرچه بیشتر زیر فشار پرداخت بهره وام هایشان مجبور به برگزیدن سیاستهای ریاضتی شده اند. برای شرکتها و کنسرنها در کشورهای در

حال رشد و توسعه و جهان سوم این تغییر سیاست به معنای سرمایه گذاری کمتر، حسابگری سفت و سخت و قبل از هر چیزی کاهش دادن مخارج به ویژه پائین آوردن دستمزدها و اخراج وسیع کارکنان شان است.

ترجمه تغییر سیاست پولی بانکهای مرکزی برای دولتها به معنای پائین کشیدن فتیله مخارج و کمتر کردن هزینه های لازم اجتماعی است که مستقیماً منجر به گسترش برق آسای فقر در این جوامع می شود.

برای کشورهای جهان سوم نه تنها مشکلات در بالا به آن اشاره شد شدید تر است بلکه مشکل اضافی جدیدی هم این تغییر سیاست پولی به وجود می آورد، واحد پولی کشورهای در حال توسعه و جهان سوم توسط سرمایه گذاران رد شده و معامله نمی شود چرا که آنها ترجیح می دهند در مناطقی سرمایه گذاری کنند که بهره دریافتی بالاتر است یعنی در مناطق تحت نفوذ دالر.

نتیجه این رفتار سرمایه گذاران این خواهد بود که واحد پولی این کشورها که در مقایسه با کشورهای صنعتی سرمایه داری ضعیف بود پس از به کار گیری سیاست پولی جدید ضعیفتر شده و ارزش واقعی خود را بیشتر از گذشته از دست می دهد و این سقوط ارزش واحد پول داخلی باعث کم شدن درآمد حقوق بگیران یعنی اکثریت مردم این کشورها شده و قدرت خرید آنها را نیز بشدت کاهش می دهد و نتیجه این که سطح حداقل زندگی مردم به ویژه زحمتکشان و کارگران به شکل کاملاً محسوس سقوط کرده و حتی نادر نیستند مواردی که حتی به زیر خط فقر یا خط زنده بودن می رسد.

از آنجائی که بسیار بعید به نظر می رسد مؤسسات مالی و سیاستمداران حاضر باشند به خاطر وضعیت نابسامان مردم دست از این سیاست خانمان برانداز برای افشار ضعیف بشویند می توان انتظار داشت که بزودی زحمتکشان و طبقات آسیب پذیر کشورهای جهان سوم (که حتی طبقه متوسط این مناطق را هم می تواند شامل شود) تصمیم بگیرند برای گریختن از وضعیت اسفباری که سرمایه داری بین المللی و مؤسسات مالی و بانکهای مرکزی کشورهای امپریالیستی برایشان به وجود آورده اند دست به ترک وطنشان زده و برای کار و تأمین زندگی خانواده هایشان راهی کشورهای ثروتمند دنیا در اروپا، امریکای شمالی و استرالیا شوند.

روشن بگوئیم: تصمیم جدید نخبگان مالی جهان برای بازگشت به سیاست پولی گذشته با بهره بالا، زمینه ساز و دلیل اصلی هجوم بعدی امواج انسانی پناهجویان و مهاجران از کشورهای جهان سوم به کشورهای صنعتی است.

---

<https://kenfm.de/tagesdosis-7-7-2018-die-fluechtlingsfrage-und-das-globale-finanzsystem/>